**توضیحی چند**

**مینوی، مجتبی**

در شمارهء چهارم سال جاری آن مجلهء شریفه مقاله‏ای تحت عنوان«نقد متن‏ مثنوی»بقلم نویسندهء فاضل آقای علینقی شریعتمداری درج بود که آنرا خواندم‏ و از آن فایده بردم.پیداست که نویسندهء محترم در موضوع بحث خود بسیار وارد هستند و اکثر اطراف و جوانب مسأله را مورد مطالعه قرار داده‏اند.مع هذا یکی دو نکته بنظر این بنده رسید که شاید لایق نشر در ذیل آن مقاله باشد.

اولا از ترک بودن مولانا درستست که در مقالهء عالمانه و محقّقانهء استاد هلموت‏ ریتر Prof.H.Ritter در دائره المعارف اسلامی بزبان ترکی بحثی نمی‏شود،ولی‏ در جلد دهم دائره المعارف ترک Tò.rk Ansiklopedisi در صفحهء 106 مادهء جلال الدین‏ رومی باین عبارت شروع می‏شود که:از نمایندگان بزرگ تصوّف اسلامی متفکّر و شاعر ترک.

شاید آقای شریعتمداری بگویند که نویسندهء این مقاله هم معلوم نیست که‏ بوده،و هم پیداست که از دانشمندان نبوده است،و شاید نیز متابعت از سیرهء وطنپرستی‏ و«عرقچی گری»متداول عصر خود نموده است؛ولی بهرحال این دائره المعارف ترکی‏ از انتشارات وزارت معارف ترکیه است و جزء منابع رسمی ترکی محسوب میشود. پس چنان نیست که از جانب مقامات رسمی ترکی چنین اظهاری نشود.

ثانیاً در تصویری که اهل ترکیه از برای نشان‏دادن شکل و هیأت مولانا جلال الدّین رسم کرده‏اند و دائم چاپ میکنند و حتی در ایران هم از روی آن در کتبی‏ مثل تألیفات جناب آقای فروزانفر و یادنامهء مولوی(نزدیک بآخر)نقل شده است‏ یک خصوصیّت ترکی بکار رفته است که چشم تنگ باشد.

ثالثاً نمو نهائی از کلمات ترکی مستعمل در اشعار مولانا جلال الدّین محمّد بلخی‏ که در مقالهء آقای شریعتمداری آمده است بسیار ناچیز است،والفاظ ترکی که در اشعار مولوی آمده است از صد متجاوز است.دربارهء آنها زالمان مستشرق شهیر در جلد دهم از Melanges Asiatiques و محمّد شرف الدّین یالتکایا در جلد چهارم از مجموعهء ترکیّات(1934)ص 111 تا 168 مقاله نوشته‏اند1و الفاظ را با ابیات و مصاریعی که حاوی آنهاست آورده،و در ذیل بر مقالهء پروفسور ریتّر در دائره المعارف‏ اسلامی ترکی مختصری در این موضوع تحریر شده است و نویسندهء این مختصر(که‏ معلوم نیست که بوده است)گفته است که ترکی در اشعار مولوی قدیمترین نمونهء مکتوبست از ترکی در آسیای صغیر.علاوه بر اینها در باب شعرهائی از مولوی رومی‏ که در آنها کلمات و تعبیرات ترکی آمده است همین آخریها شخصی بنام مجدود منصور اوغلو یک مقاله بآلمانی در مجلّد چهاردهم(1952)از Uralaltaische Jahrbò.cher (سالنامهای اورال آلتائی)و مقاله‏ای هم بترکی در سالنامهء تحقیقات راجع بزبان ترکی‏ (1954)ص 207 تا 220 نوشته است.

رابعاً آقای شریعتمداری باوجود دقّتی که از برای بیان معانی کلمات ترکی‏ در غزل«ای ترک ماه چهره...»کرده،و بااینکه بقول خودشان باترکان ترکی‏دان‏ در باب آن کلمات مشاوره و از آنان استفاده کرده‏اند متأسفم که باید عرض کنم در مورد سه چهار کلمه اشتباه کرده‏اند(یا مستشاران ترک ایشان سهو فرموده‏اند)و بنده درباب‏ این لغات از رای صائب و نظر ثاقب دوست ادیب و دانشمند خویش آقای حیدر علی‏ دیریؤز استفاده کرده نتیجهء بحث با ایشان را از لحاظ ارباب نظر می‏گذرانم:

1-گل‏برو را«بیا اینجا»ترجمه کرده‏اند،صحیح آن«بیا نزدیک»است. برو همانست که امروزه بری میگویند.

2-گکچک بمعنی آسمانی و باقشرک بمعنی نمایان بهیچ‏وجه درست نیست. گکچک بمعنی زیبا و جمیل است و تا این اواخر هم در ترکیه مترادف با گوزمل متداول‏ و مستعمل بوده است.باقش یعنی نگاه،باقشلر یعنی نگاهها،گاف(نون غنّه)در آخر آن ضمیر دوم‏شخص مضاف الیه است.باقشلرک نزدیک به باقشلرون تلفّظ میشود، و معنی دو کلمه باهم«نگاههای زیبای تو»است.

(1)-عنوان مقالهء مرحوم شرف الدین اینست،مولاناده ترکچه کلمه‏لر و ترکچه شعرلر.

مصراع دوم این بیت را مرحوم شرف الدّین یالتکایا گوید نفهمیدم ولی منصور اوغلو همان‏طور که در یغما منتشر شده است خوانده و ترجمه کرده است.سزدش بمعنی‏ هم زبان ظاهرا صحیح است ولو اینکه در کتب لغت‏ترکی نیامده است.

3-دک بهتر اینست که آسوده و آرام معنی شود،چونکه مفهوم«راحت‏ باش»از دک در بیشتر ادراک میشود تا مفهوم«ساکت بمان».

نکات دیگری در باب سایر مقالات این شماره نیز میخواستم عرض کنم ولیکن‏ فعلا بماند.

ا نقره،مجتبی مینوی

مجلهء یغما:هیچ منصفی منکر نیست که امروزه در جهان تحقیق و ادب استاد مینوی پیشوا و راهنمائی بنام است و موجب افتخار مملکت ماست.با این همه بی‏هیچ تعصب باید گفت دلایلی که در ترک بودن مولانا ذکر و نقل فرموده‏اند،وگرچه عقیدهء شخص ایشان نیست،درخور باز گفتن نیست.

اولا تحقیقات غیر مستند و خلاف واقع،وگرچه در دایرة المعارف رسمی هم چاپ شده باشد مورد قبول اهل نظر و تحقیق نمی‏تواند بود.

ثانیاً-تصویر مولانا هم و گرچه بهیأت ترکها باشد گواه ترک بودن مولانا نیست،و اگر تصویر ملاک اصالت نژاد باشد همه پادشاهان و پهلوانان باستانی ایران باید چینی باشند چون در کتب خطی قدیمی بیشتر تصاویر این بزرگان بسبک نقاشی چینی است.

ثالثاً-استعمال لغات ترکی جای بجای در اشعار فارسی،نیز دلیل نیست که گوینده ترک‏ است و اگر چنین باشد پس سعدی هم شاعری است ترک‏نژاد.

بودم آن روز من از طایفهء دردکشان‏ که نه ا تاک‏نشان بود و نه از تاک‏نشان

حق مطلب را آقای شریعتمداری ادا کرده که فرموده«اگر ما او را از خود می‏شماریم‏ نباید مضایقه‏ای ازین داشته باشیم که قوم ترک هم باعتبار اینکه او درین سرزمین می‏زیسته....اورا از خود بشمارند».

باری،سزاوار تر اینست که ادعای ایران و ترک با همداستانی و هم‏آهنگی در تصحیح و تنقیح‏ و تفسیر آثار این حکیم عارف که موجب افتخار بشریت است بکوشند و بدین مباحثات نگرایند.

نهایت امتنان است اگر جناب استاد مینوی دربارهء دیگر مقالات شمارهء تیرماه-چنانکه‏ اشارت فرموده‏اند-اظهارنظر فرمایند و ما را راهنمائی و ارشاد.بانتظارست.